



سیره سیاسی پدر در آیینه روایت فرزند

نماز نیمه شب بر پیکر نواب!

■ **نیما احمدپور**

حجت‌الاسلام والمسلمین سید‌محمد مرتعی نجفی، فرزند اندیشمند و نسخه‌پژوه زنده‌یاد آیت‌الله‌العظمی سیدشهاب‌الدین مرتعی نجفی و ریاست دفتر آن بزرگ است. او از این بابت، از پدر ارجمند خویش خاطراتی شنیدنی دارد که بخشی از آن معطوف به کارنامه سیاسی آن مرجع نامور است. وی در واگویه بخشی از این یادمان‌ها، به مראودات شهید نواب صفوی و اعضای جمعیت فدائیان اسلام با پدر اشارت می‌برد و می‌گوید: «فدائیان اسلام در قم با مرحوم آیت‌الله انسید محمدتقی خوانساری - از آیات ثلاث - خیلی ارتباط داشتند و در مرتبه بعدی، با مرحوم ابوی فدائیان اسلام از جمله مرحوم نواب صفوی و مرحوم واحدی داشتیم که بعضی از آنها موجود است و چاپ شده است. یادم است مدت دو ماه، مرحوم خلیل طهماسبی مخفیانه در منزل ما بود، چون خیلی دنبالش بودند. والده برای ایشان غذا درست می‌کردند و نمی‌گذاشتند هیچ کس بفرمَد. نکته دیگری در ارتباط با فدائیان این است که مرحوم نواب صفوی را ابتدا در مسگر آباد دفن کردند، ولی عده‌ای آمدند و از ابوی برای نبش قبر و انتقال ایشان به قم کسب تکلیف کردند. مرحوم والد هم مشروط بر این‌که جسد به همراه خاک اطراف آن برداشته شود و به هم نخورد، اجازه دادند. آنها نیز همین کار را کردند و ابوی ما ساعت یک بعد از نیمه شب رفتند و مجدداً بر او نماز میت خواندند و در قبرستان وادی السلام قم دفن کردند. هیچ‌کس این را نمی‌دانست. غرض اینکه خیلی پدر ما به اینها علاقه داشت…»

آیت‌الله‌العظمی مرتعی نجفی در حمایت از نهضت امام خمینی، حضور و مشارکتی نمایان داشت و اسناد موجود نیز شاهدی بر این مدعاست. استاد سیدمحمد مرتعی در این باره نیز آورده است: «در جریان دستگیری حضرت امام در ۱۵ خرداد، مرحوم ابوی به نشانه اعتراض بیانیه



فکر و صدالبته غارت منابع اقتصادی ایرانیان توسط خود انگلیسی‌ها بوده است.

یک‌وزی از روش‌های مهم استعمارگران در کشورهای اسلامی، استحاله فرهنگی مسلمانان و زدودن اندیشه مذهبی از جهان بینی ایشان بوده است. آنها برای دستیابی به این هدف، علاوه بر ترویج تفکرات و فرهنگ غربی در سرزمین‌های اسلامی، به حذف منابع و غارت گنجینه‌ها و میراث مکتوب اسلامی در آن کشورها پرداخته‌اند. اقدامی که در طول زمان، موجب از خودیگانگی مسلمانان می‌شد و در مقابل جایگزینی منابع فکری و اندیشه‌ای غربی را در ذهن و ضمیر آنها برای استعمارگران آسان‌تر می‌کرد. اما در تاریخ معاصر جهان اسلام بوده‌اند

بزرگانی که متوجه این سیاست استعماری شده و با آن مقابله کرده‌اند. در ایران با ۲۲ واسطه، یک نهاد و مجاهدی بودند که با تمام وجود و با تحمل شداید، مقابل زیاده خواهی استعمار انگلیس در غارت منابع مکتوب ایستادند و از میراث اسلامی و ایرانی دفاع و محافظت کردند. یکی از این بزرگان زنده‌یاد حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدشهاب‌الدین مرتعی نجفی است که در مقاله **پی آمده**، به تلاش‌های ایشان در راه حفظ و حراست از میراث مکتوب اسلامی و ایرانی سرزمین‌مان پرداخته‌ایم. امید آنکه مفید آید.

■ **انگلیس و غارت میراث مکتوب اسلامی و فارسی**
موزه بریتانیا که کتابخانه بخشی از آن بود، در سال ۱۷۵۹م (۱۱۳۸. ش و همزمان با پادشاهی کریم خان زند)، در شهر لندن برای استفاده همگانی مردم تأسیس شد. ابتدا عموماً کتاب‌های این کتابخانه شامل انواع آناجیل و عهد عتیق، کتب مذهبی مسیحیت، اسناد و کتاب‌های سلطنتی می‌شد اما به تدریج کتاب‌هایی از موضوعات و رشته‌های مختلف به آن افزوده شد و البته با گسترده شدن مستعمرات انگلستان، بخش کتب مسایل ملم هم به آن اضافه گشت. اما اولین کتب فارسی که به این کتابخانه آورده شد، کتاب «زندگینامه نادرشاه» بود که به وسیله میرزامهدی خان استرآبادی (منشی مخصوص نادر)، نوشته شده بود. این کتاب توسط «ویلیام جونز» جاسوس شرق شناس، در سال ۱۷۶۸ م. (۱۱۴۷. ش)، به کتابخانه موزه بریتانیا اهدا شد.^(۱) اینچنین بود که در پی آن و طی دوره قاجار، سیل کتاب‌های ارزشمند اسلامی و فارسی ایرانیان، توسط انگلیسی‌ها از ایران خارج شد و به کتابخانه موزه بریتانیا انتقال یافت، به طوری‌که بخش فارسی این کتابخانه امروز نزدیک ۵۰ هزار جلد کتاب دارد. پرواض است این غارت فرهنگی، به دلیل ناآگاهی و جهل مردمان آن دوره نسبت به ارزش میراث مکتوب ایران انجام شده است. اتفاقی تلخ که ثمره



آیت‌الله‌العظمی سیدشهاب‌الدین مرتعی نجفی و حفظ میراث مکتوب اسلامی و ایرانی

۲۰ ساعت گرسنگی و ۲ سال نماز استیجاری

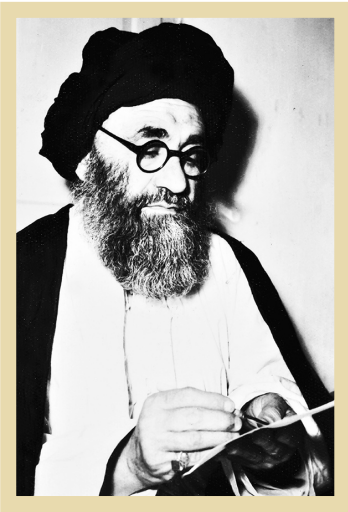
برای یک کتاب!

■ **انوشه میر مرتعی**

یکی از روش‌های مهم استعمارگران در کشورهای اسلامی، استحاله فرهنگی مسلمانان و زدودن اندیشه مذهبی از جهان بینی ایشان بوده است. آنها برای دستیابی به این هدف، علاوه بر ترویج تفکرات و فرهنگ غربی در سرزمین‌های اسلامی، به حذف منابع و غارت گنجینه‌ها و میراث مکتوب اسلامی در آن کشورها پرداخته‌اند. اقدامی که در طول زمان، موجب از خودیگانگی مسلمانان می‌شد و در مقابل جایگزینی منابع فکری و اندیشه‌ای غربی را در ذهن و ضمیر آنها برای استعمارگران آسان‌تر می‌کرد. اما در تاریخ معاصر جهان اسلام بوده‌اند

بزرگانی که متوجه این سیاست استعماری شده و با آن مقابله کرده‌اند. در ایران با ۲۲ واسطه، یک نهاد و مجاهدی بودند که با تمام وجود و با تحمل شداید، مقابل زیاده خواهی استعمار انگلیس در غارت منابع مکتوب ایستادند و از میراث اسلامی و ایرانی دفاع و محافظت کردند. یکی از این بزرگان زنده‌یاد حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدشهاب‌الدین مرتعی نجفی است که در مقاله **پی آمده**، به تلاش‌های ایشان در راه حفظ و حراست از میراث مکتوب اسلامی و ایرانی سرزمین‌مان پرداخته‌ایم. امید آنکه مفید آید.

■ **انگلیس و غارت میراث مکتوب اسلامی و فارسی**
موزه بریتانیا که کتابخانه بخشی از آن بود، در سال ۱۷۵۹م (۱۱۳۸. ش و همزمان با پادشاهی کریم خان زند)، در شهر لندن برای استفاده همگانی مردم تأسیس شد. ابتدا عموماً کتاب‌های این کتابخانه شامل انواع آناجیل و عهد عتیق، کتب مذهبی مسیحیت، اسناد و کتاب‌های سلطنتی می‌شد اما به تدریج کتاب‌هایی از موضوعات و رشته‌های مختلف به آن افزوده شد و البته با گسترده شدن مستعمرات انگلستان، بخش کتب مسایل ملم هم به آن اضافه گشت. اما اولین کتب فارسی که به این کتابخانه آورده شد، کتاب «زندگینامه نادرشاه» بود که به وسیله میرزامهدی خان استرآبادی (منشی مخصوص نادر)، نوشته شده بود. این کتاب توسط «ویلیام جونز» جاسوس شرق شناس، در سال ۱۷۶۸ م. (۱۱۴۷. ش)، به کتابخانه موزه بریتانیا اهدا شد.^(۱) اینچنین بود که در پی آن و طی دوره قاجار، سیل کتاب‌های ارزشمند اسلامی و فارسی ایرانیان، توسط انگلیسی‌ها از ایران خارج شد و به کتابخانه موزه بریتانیا انتقال یافت، به طوری‌که بخش فارسی این کتابخانه امروز نزدیک ۵۰ هزار جلد کتاب دارد. پرواض است این غارت فرهنگی، به دلیل ناآگاهی و جهل مردمان آن دوره نسبت به ارزش میراث مکتوب ایران انجام شده است. اتفاقی تلخ که ثمره



آیت‌الله‌العظمی سیدشهاب‌الدین مرتعی نجفی

آیت‌الله‌العظمی سیدشهاب‌الدین مرتعی نجفی در حمایت از نهضت امام خمینی، حضور و مشارکتی نمایان داشت و اسناد موجود نیز شاهدی بر این مدعاست. استاد سیدمحمد مرتعی در این باره نیز آورده است: «در جریان دستگیری حضرت امام در ۱۵ خرداد، مرحوم ابوی به نشانه اعتراض بیانیه

معروف به «ندان موضوعی» را با استفاده از عاج فیل ساخت. پدرش سیدمحمد مرتعی و مادرش، نوه آیت‌الله نسیمدهدی حسینی بودند.^(۲) سیدشهاب‌الدین تحصیل علوم دینی را از همسان کودکی نزد پدر و پدر بزرگ مادری‌اش آغاز کرد و بعد از آن هم در مدارس علمی درس خواند و هم در حوزه علمیه نجف. در سال ۱۲۹۲. ش و در شرایطی که شیعیان عراق علیه اشاگران انگلیسی قیام کرده بودند، در حالی که تنها ۱۶ سال داشت، به جمع مجاهدان پیوست. در دوران طبعی‌او اماسا اتفاقی افتاد که موجب شد سیدشهاب‌الدین جوان، متوجه خطر غارت منابع مکتوب اسلامی توسط انگلیسی‌ها شود. خود ایشان آن اتفاق را چنین روایت کرده‌اند:

«روزی از بازار نجف عبور می‌کردم، دیدم طلبه‌ها به یک مغازه خیلی رفت و آمد می‌کنند، پرسیدم چه خبر است؟ گفتند علمایی که فوت می‌کنند، کتاب‌هایشان را اینجا حراج می‌کنند. رقیم داخل و دیدم عده‌ای حلقه زده‌اند و آقای کتاب‌ها را اورده و چوب حراج می‌زند و افراد پیشنهاد قیمت داده و هر کس که بالاترین قیمت را پیشنهاد می‌داد، کتاب را می‌خرد. یک عربی نشسته بود در کنارش، کیسه پولی بود و بیشترین قیمت را او داده و کتاب‌ها را می‌خرد و به دیگران فرصت نمی‌داد! متوجه شدم او فردی به نام کاظم دجیلی، دلال کنسولگری انگلیس در بغداد است و در طول هفته، کتاب‌ها را خریده و جمعه‌ها به بغداد برده و تحویل انگلیسی‌ها می‌داد و پولشان را می‌گرفت و بعد دوباره می‌آید و کتاب می‌خرد. از آن موقع تصمیم گرفتم نگذارم انگلیسی‌ها کتاب‌ها را به یغما ببرند و ما را از درون تهی کنند و بعد از آن شب‌ها بعد از درس و بحث، در یک کارگاه برنج کوبی مشغول کار شدم و با کم کردن عده‌های غذا و قبول نماز و روزه استیجاری، پول جمع کرده و به خرید و جمع‌آوری کتاب‌های خطی میادرت کردم…»

■ **روزی که «سید» با میجر انگلیسی درافتاد**
همت آن عالم فرزانه مدتی پس از اقامت میراث مکتوب جهان اسلام در طول زمان، علاوه بر زحمات زیاد مالی و معیشتی، مشکلات دیگری هم برای او ایجاد کرد. یکی از این ازارها، درافتادن به انگلیسی‌های استعمارگر و به زندان افتادن توسط آنها بود. چنانچه حضرت آیت‌الله مرتعی نجفی ماجرای به زندان افتادن خود را اینگونه روایت کرده‌اند: «یک روز از مدرسه، به قصد بازار – که جنب صحن علوی بود - حرکت کردم. ابتدای بازار، ناگهان چشمم به زنی تخم‌مرغ فروش افتاد که کنار دیوار نشسته بود و از زیر چادر وی، گوشه کتاب پیدا بود. حس کنج‌کاوی من تحریک شد، به طوری که مدتی خیره به کتاب نگاه کردم. طاقت نیاوردم و پرسیدم این چیست؟ گفت کتاب و فروشی

است. کتاب را گرفتم و با حیرت متوجه شدم نسخه‌های نایاب از کتاب ریاض العلماء علامه عبدالله افتدی است که احدی آن را در اختیار ندارد! مثل یعقوبی که یوسف خود را پیدا کرده باشد، با شور و شعفی وصف ناشدنی به زن گفتم این را چند می‌فروشی؟ گفت ۵ روپیه. من که از شوق سرر از پانمی شناختم، گفتم دارایی من ۱۰۰ روپیه است و حاضرم همه آن را بدهم و کتاب را از شما بگیرم. آن زن با خوشحالی پذیرفت. در این هنگام سر و کله کاظم دجیلی که دلال خرید کتاب برای انگلیسی‌ها بود، پیدا شد. او نسخه‌های کمیاب نادر و کتاب‌های

قدیمی را به هر طریقی به جنگ می‌آورد و توسط حاکم انگلیسی نجف اشرف – که گویا اسمش یا عنوانش میجر (سرگرد) بود- به کتابخانه لندن می‌فرستاد. کاظم دلال کتاب را به زور از دست من گرفت و به آن زن گفت من آن را بیشتر می‌خرم و مبلغی بالاتر از آنچه من به آن زن گفته بودم، پیشنهاد کرد. در آن هنگام من اندوهگین رو به سمت حرم شریف امیرالمؤمنین (ع) کردم و آهسته گفتم آقا جان، من می‌خواهم با خرید این کتاب به شما خدمت کنم، پس راضی نباشید این کتاب از دست من خارج شود. همنوز کلامم تمام نشده بود که زن تخم مرغ فروش رو به دلال کرد و گفت این کتاب را به ایشان فروخته‌ام و به شما نمی‌فروشم! کاظم دجیلی شکست خورده و عصبانی از آنجا دور شد. بیشتر از ۲۰ روپیه نداشتیم. از این رو تمام لباس‌های کهنه و قدیمی را با ساعتی که داشتم به فروش رساندم تا پول کتاب فراهم شد. طولی نکشید که کاظم دلال همراه با چند شرطه (پلیس)، به مدرسه حمله کردند و مرا دستگیر نموده و پیش حاکم انگلیسی (میجر) بردند. او نخست مرا به سرقت کتاب متهم کرد و بسیار عریده کشید. سپس دست‌نورد داد مرا زندانی کردند. آن شب در زندان، مدام با خدا راز و نیاز می‌کردم که کتاب در مخفیگاه‌ش محفوظ بماند. روز بعد آیت‌الله میرزا فتح‌الله نمازی اصفهانی معروف به شیخ الشریعه مرجع بزرگ آن وقت، میرزا مهدی فرزند مرحوم آخوند خراسانی را همراه با جمعیتی برای آزادی من نزد حاکم شهر فرستاد.

بالاخره نتیجه این شد که من از زندان آزاد شوم، با این شرط که طی مدت یک ماه، کتاب را به حاکم انگلیسی تسلیم کنم. پس از آزادی به سرعت به مدرسه رفتم و همه دوستان طلبه‌ام را جمع کردم و گفتم باید کار مهمی انجام بدهیم که خدمت به اسلام و شریعت است! طلاب گفتند چه کاری؟ من گفتم نسخه‌برداری و استنساخ از روی این کتاب و فوراً دست به کار شدیم و قبل از مهلت مقرر، چند نسخه از روی آن استنساخ گردید…»

■ **مهاجرت به ایران و ادامه جهاد برای حفظ کتاب**
آیت‌الله سیدشهاب‌الدین مرتعی نجفی در سال ۱۳۰۱. ش و بعد از گذشت پدر و مادر، به ایران برگشت و در سال ۱۳۰۲. ش به مشهد رفت. جالب است که ایشان در مشهد و به رغم سختی شدید معیشت، همچنان برای خرید کتب خطی و سنگی تلاش داشتند، چنانچه هنگامی که در همان سال، در مدرسه قوام مشهد مشغول درس و بحث بودند، در صفحه نخست کتاب «کشف اللغات و الاصطلاحات» مرقوم کرده‌اند: «کتاب انگلیسی اللغات و الاصطلاحات تألیف علامه عبدالرحیم بن احمد هندی بهاری حنفی مشهور به سور که به درخواست فرزندش شیخ شهاب‌الدین بهاری در سال ۱۶۰۱ اق به نگارش آمده و اندکی پس از اتمام آن زندگی را بدرود گفته است. این کتاب را با مزد دو سال نماز استیجاری که به نیابت از مرحوم میرزا محمد بزاز تهرانی قبول کرده‌ام، به مبلغ ۲۰ روپیه بریتانیایی خریداری کردم. خداوند توفیق بر انجام کار دهد. شروع نماز از ابتدای روز ۲۱ ذی‌القلده سال ۱۳۲۲ اق است. من دل شکسته، نوسنده این کلمات، در حال گرسنگی به‌سر می‌برم و مدت ۲۰ ساعت است که نتوانستم‌ام قوتی به دست آورم تا با آن سد گرسنگی خود کنم، خداوند در کار همه گرفتاران گشایش فرماید، شهاب‌الدین الحسینی المرعشی النجفی سنه ۱۳۴۲ق، مدرسه قوام، یکی از مدارس مشهد جدم امیرالمؤمنین روح‌فدای او باد.»

آیت‌الله مرتعی نجفی پس از مهاجرت به قم همه کتب خطی را که در طول دوران طبعی‌کی جمع‌آوری کرده بود، به ایران آورد. البته در قم هم به خرید نسخه خطی و کتب از زنده اقدام می‌کرد اما پس از چند سال مجبور شد به دلیل کمبود جا کتاب‌ها را از منزل به کتابخانه مدرسه مرعشی انتقال دهد. به این ترتیب طبقه سوم این مدرسه، برای کتابخانه ساخته شد و بیش از ۱۰ هزار جلد کتاب خطی و چاپی، در آن جای



گرفت. این کتابخانه در ۲۸ آبان ۱۳۴۵. ش و همزمان با عید نیمه شعبان افتتاح شد. به مرور زمان علاوه بر اضافه شدن تعداد کتاب‌های خریداری شده کتابخانه، رفت و آمد طلاب به آن بیشتر و بیشتر می‌شد تا جایی که دیگر آن طبقه گنجایش افزودن کتب جدید و استقبال زایدالوصف طلاب را نداشت. به این دلیل آیت‌الله مرتعی نجفی مجبور شد کتابخانه بزرگی را تأسیس کند که ۱۶ هزار کتاب خطی و چاپی به آن منتقل شود. این کتابخانه در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۵۳. ش که همزمان با میلاد حضرت حجت(عج) بود، افتتاح شد.

به هر روی تلاش‌های آیت‌الله مرتعی نجفی باعث شد یکی از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های کشور، به لحاظ حجم عظیم نسخه‌های خطی کهن دینی و موسومین کتابخانه جهان اسلام در قم برپا شود، به طوری‌که در زمان وفات آیت‌الله سیدشهاب‌الدین مرتعی نجفی، بیش از ۲۵۰ هزار کتاب چاپی، ۲۵ هزار کتاب خطی به زبان‌های فارسی، عربی، ترکی، اردو، لاتین و سانسکریت و برخی خطوط قدیم دیگر در این کتابخانه نگهداری می‌شد.

■ **مرجع تقلیدی که هیچ‌گاه مستطیع نشد**

آیت‌الله‌العظمی مرتعی نجفی، هیچ‌گاه از وضعیت مالی مطلوبی برخوردار نبود. ایشان بعد از ازدواج در سال ۱۳۰۹. ش تا مدت‌ها اجاره‌نشین بود تا اینکه کم‌کم بسا تهیه یک زمین کوچک، در آن خانه‌ای ساخت و تا آخر عمرش نیز در آن زندگی کرد. آن بزرگ در طول عمر خود هیچ‌گاه مستطیع نشد و به سفر حج نرفت! قطعاً باید این نکته را نیز در نظر داشت که وی پس از خرید کتاب‌های خطی، آنها را وقف می‌کرد و دیگر آن کتاب‌ها در ملکیت ایشان نبود که جزء ثروتش محسوب شود.^(۳) در واقع می‌توان گفت خدمت آن اندیشمند نامور به حفظ میراث مکتوب اسلامی و ایرانی، چنان برجسته است که بر سایر برجستگی‌های شخصیتی و علمی آیت‌الله مرتعی نجفی، مانند اقدامات خیر خواهانه ایشان برای مردم نیازمند، ترمیم برخی نمادهای دینی همچون بازسازی مرقد علامه مجلسی پدر و پسر در اصفهان، اهدای کتب اصلی شیعه به بزرگان حوزه‌های علمیه جهان اسلام و شخصیت‌های اندیشمند خارجی برای تبلیغ و ترویج معارف تشیع، مبارزات و همراهی‌هايشان با نهضت امام خمینی(ره) و سپس در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه در دوران دفاع مقدس و ایضا حمایت از رهبر معظم انقلاب اسلامی، سایه افکنده است.

این خدمت آنچنان بزرگ بوده و هست که امام خمینی در سال ۱۳۶۷. ش، طی فرمانی دولت را موظف به کمک برای ساخت کتابخانه‌ای بزرگ، برای نگهداری کتاب‌های کتابخانه آیت‌الله مرتعی کردند. امام خمینی در آن خطاب: «کتابخانه حضرت آیت‌الله آقای نجفی مرتعی دام‌ت بر کاتنه-از کتابخانه‌های کم نظیر و نفیس امالمطرب شیعه و کتاب‌های منحصر به فرد و خطی آن از ذخایر فرهنگ غنی اسلام و ایران است. از قرار اطلاع مرکز حفاظت آنها به گونه‌ای نیست که کتاب‌ها مصون از خطر باشد و محیط مطالعه برای مشتاقان کتاب، بسیار کوچک است. جنابعالی موظف هستید آنچه را که آن کتابخانه احتیاج دارد، به بهترین وجه فراهم آورید. جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سیدمحمد مرتعی نجفی که خود را خبرنگاران و شایستگیان در امر کتاب‌شناسی و کتاب و شناخت محیطی مناسب برای حفظ کتاب است، بهترین فردی است که می‌تواند شما را در این امر یاری دهد. آن‌شاه‌الله که خود را خبرنگاران ساخته شدن بنیایی در خور اسلام و انقلاب و حوزه علمیه قم، قدمی مفید در راه رشد تعلیم اسلام برداشته شود. روشن است آنچه در این زمینه ساخته می‌شود، اختیارش با حضرت آیت‌الله آقای نجفی مرتعی یا فردی است که ایشان تعیین نمایند…»^(۴)

سرانجام آیت‌الله سیدشهاب‌الدین مرتعی نجفی، در روز چهارشنبه هفتم شهریور سال ۱۳۶۹. ش، در ۹۶ سالگی روی از جهان برگرفت و بر حسب وصیتی که مرقوم داشته بودند: «مرا در راهروی ورودی کتابخانه، زیر پای محققانی که برای مطالعه و تحقیق به این کتابخانه مراجعه می‌کنند، دفن نمایند» در راهروی کتابخانه بزرگی که خود آن را بنیاد نهاد، به خاک سپرده شد. روحش شاد و یادش گرامی باد.

■ **منابع:**

- ↑ علانی، سیروس، *مقاله «نظری به گنجینه کتاب‌های فارسی در کتابخانه بریتانیا»*، فصلنامه *ایران نامک، سال سوم، شماره ۲، مورخ تابستان ۱۳۹۷. ش*
- ↑ مرتعی، سیدعلی اکبر(هوشنگ)، «*خاندان مرتعی در ایران»*، *نشر ترمه، چاپ دوم ۱۳۷۵. ش* ص ۱۵۸
- ↑ رفیعی، علی، «*شهاب شریعت*»-درنگی در زندگی حضرت آیت‌الله‌عظمی مرتعی نجفی- *نشر کتابخانه عمومی آیت‌الله مرتعی نجفی، چاپ دوم ۱۳۸۱. ش* - و «*سماک امانی، محمد رضا، مقاله «ابراه»*، *جلد ۱، نشر معروف، چاپ سوم ۱۳۸۵. ش، از صفحه ۶۸۸ تا ۶۹۷*
- ↑ *صحیفه امام*، جلد ۲، ص ۳۲۰